

درس سیصد و هشتاد و چهارم: صوت ۴۰۶

بررسی اقوال دربارهٔ انتفاء یا عدم انتفاء علم اجمالی
با طرّو اضطرار (۳)

أَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

مطلبی مرحوم آخوند در باب عدم وجوب احتیاط در صورت تعلق اضطرار به یکی از اطراف علم اجمالی فرمودند عرض شد و اشکالی خود ایشان نسبت به این مسئله به نظرشان رسیده بود که این اشکال را مطرح کردند و ظاهراً هم این مسئله در حاشیه ایشان بر رسائل مطرح شده است؛ در تفصیلی که مرحوم شیخ راجع به اطراف علم اجمالی در تعلق اضطرار به معین یا غیر معین و کیفیت اضطرار مقارن با علم اجمالی یا بعد از علم اجمالی دارد، در آنجا مرحوم آخوند این مطلب را می‌فرماید و همان‌طوری که عرض شد آن مطلب عبارت از این است که در صورتی علم اجمالی منحل می‌شود که اضطرار به امر معین تعلق گرفته باشد. در اینجا از باب عدم امکان جمع بین حکمین متضادین یا متناقضین علم اجمالی منحل و اضطرار، آن اصل و تنجز علم اجمالی را از بین می‌برد، گرچه علم اجمالی

به جای خودش باقی است ولی علم اجمالی دیگر در اینجا منجّز نیست، زیرا حکم به تنجّز علم اجمالی یا شرعی است و یا عقلی است؛ اگر شرعی باشد، حکم شارع به حکومت اضطرار موجب الغاء اثر علم اجمالی است که عبارت از وجوب احتیاط است و اگر عقلی باشد عقل اجتماع حکمین متضادین را ممتنع و مستحیل می‌داند که یکی اباحه یا وجوب در صورت اضطرار و ابتلاء به اضطرار و دیگری آن تنجّز علم اجمالی باشد که موجب احتیاط است. این مفاد کلام مرحوم آخوند بود.

اما اینکه ایشان می‌فرمایند که چنانچه اضطرار به امر غیر معینِ تدریجی تعلق بگیرد - غیر معین است و تدریجی الحصول است - فرض کنید صوم **یوم الخمیس و یوم الجمعة و عدم وجوبه أو حرمة فی أحدهما** خب در این صورت مسئله تفاوت می‌کند و همین‌طور در صورتی که اضطرار به بعد از طروّ علم اجمالی تعلق بگیرد که در آنجا - در عدم وجوب احتیاط - مرحوم آخوند قائل به اشکال بودند. نظر ایشان در این اشکال مترتب بر بقاء علم اجمالی است زیرا طرفین علم اجمالی بالنسبه به خود تعلق علم

اجمالی متساویین هستند و مکلف قبل از اختیار أحد الطرفین خود را در انتخاب طرفین مختار می‌بیند که آیا این إناء را تناول بکند یا آن إناء را یا صوم یوم الخمیس را اتیان بکند یا صوم یوم الجمعة را به‌جا بیاورد.

بنابراین این علم اجمالی از نقطه نظر تعلق به طرفین تفاوتی نمی‌کند؛ یعنی چنانچه می‌تواند به یوم الجمعة تعلق بگیرد می‌تواند به یوم الخمیس تعلق بگیرد و همچنان که می‌تواند به یوم الخمیس تعلق بگیرد، به همین نحو می‌تواند به یوم الجمعة تعلق بگیرد.

کلام مرحوم آخوند در باب اضطرار

بأحدهما علی سبیل البدلیة

بناءً علی هذا نفس خود علم اجمالی که منشأ برای تنجّز است به‌جای خودش تکویناً باقی است، اضطراری که منافی با تنجّز علم اجمالی است آن اضطرار نمی‌تواند موجب خروج یکی از اطراف بشود که مقتضای آن انحلال اجمالی و تبدّل امر به شبهة بدوی باشد. بله، موجب خروج یکی از اطراف هست اما نه هر اطراف بلکه یکی از اطراف که

خروج او موجب انحلال علم اجمالی بشود و تبدل آن به شبهه بدویه در صورتی است که أحد معین باشد، وقتی که أحد معین شد این أحد معین نسبت به آن تعلق حکم به ورود یا حکومت اضطرار از اطراف علم اجمالی خارج می شود اما اگر أحد غیر متعین و **على سبيل البدلية** بود؛ **إمّا يوم الخميس أو يوم الجمعة**، این **إمّا يوم الخميس أو يوم الجمعة** هر کدام از این دو را از قابلیت برای اشتغال علم اجمالی خارج نمی کند، این طور نیست که اضطرار بیاید به یکی تعلق بگیرد و او را خارج و منتفی کند. نه، صوم **يوم الخميس أو يوم الجمعة**، **أحدهما** با اضطرار از تحت علم اجمالی خارج می شود. اینکه می خواهد از تحت علم اجمالی خارج بشود قابلیت دخولش را در تحت علم اجمالی دارد ولی در عین حال مکلف او را خارج می کند و این با معین فرق می کند که قابلیت دخول در تحت علم اجمالی را از دست می دهد.

در واحد معین صوم يوم الخميس قابلیت برای دخول در تحت اجتماع را ندارد فرض کنید يوم

الخمیس روز عید اضحیٰ درمی آید. تصور مکلف بر این است که جمعه آخر ماه است یا آخر ماه نیست و نذر می کند که آخر ماه را روزه بگیرد **إِمَّا یوم الخميس أو یوم الجمعة** یک مرتبه متوجه می شود یک روز ماه زودتر دیده شده و یوم الجمعة را باید افطار کند و روزه گرفتن در آن روز حرام است. حالا نمی داند که آیا آن علم اجمالی به اینکه تاریخ را مشخص نکرده که یوم الخميس است یا یوم الجمعة - اگر یوم الجمعة بود که به طور کلی منتفی می شود - و در یوم الخميس یا یوم الجمعة شک دارد خب در این صورت طبعاً چون یوم الجمعة منجز می شود این از تحت علم اجمالی خارج می شود و یوم الخميس شبهه بدوی می شود.

مرحوم آخوند می گویند که قابلیت برای شمول در تحت اجمالی را در صورت معین بودن از دست می دهد و دیگر قابل برای شمول نیست ولی در اشمال بر سبیل بدلیّت این طور نیست. مثلاً طیب به او گفته است که یوم الخميس یا یوم الجمعة باید روزه را بخوری و در هفته دو روز را نباید روزه بگیری، برای معده شما یا برای کلیه شما ضرر دارد!

هفته‌ای یک روز باید روزه بگیرد که یا یوم الخمیس می‌شود یا یوم الجمعة، حالا این مسافرت واجبیه دارد که آن مسافرت منافی با روزه است - البته در نذر اشکال ندارد - فرض کنید در مسافرت نمی‌تواند روزه بگیرد و مضطر به افطار هست یا اینکه مریض می‌شود و نمی‌تواند روزه بگیرد، در اینجا مرحوم آخوند می‌فرماید که گرچه اضطرار **بأحدهما علی سبیل البدلیة** تعلق گرفته است ولی آیا قابلیت أحدهما را برای شمول در تحت علم اجمالی از بین برده است و منتفی کرده است؟! می‌بینیم نکرده است و باز می‌شود به جای یوم الخمیس، یوم الجمعة را روزه بگیرد و این در اختیار خودش هست پس یوم الخمیس می‌تواند در تحت علم اجمالی قرار بگیرد.

تفاوت قابلیت تقدیریه و قابلیت فعلیه

نقل کلام در یوم الجمعة می‌کنیم بنابراین از تحت علم اجمالی خارج شده است؟! نه، می‌تواند یوم الجمعة را بگیرد و یوم الخمیس را افطار کند! یوم الجمعة هم قابلیت را دارد. پس این قابلیت تقدیریه نه قابلیت فعلیه - قابلیت فعلیه در آنجایی بود که

محدوری برای صوم یومین نداشته باشد، در آنجا حکم فعلی می‌شود ولی قابلیت تقدیریه برای اشمال علم اجمالی در اینجا باقی است - از این قابلیت تقدیریه أحدهما که مختار اوست خارج می‌شود و **يَبْقَى الباقي** در تحت همان قابلیت تقدیریه خودش، وقتی که قابلیت تقدیری باشد در آنجا علم اجمالی باز تنجّز خودش را نسبت به طرف دیگر پیدا می‌کند. این مفاد بیان مرحوم آخوند بود به اضافاتی.

اشکالی که بر این مسئله شده این است که این قابلیت تقدیریه درست است اما تا وقتی است که مکلف یکی از طرفین را اختیار نکرده است اما اگر مکلف افطار یوم الخمیس را اختیار کرد یعنی به اختیار خودش یوم الخمیس را افطار کرد، اولین افطاری که می‌کند و لقمه‌ای را که به دهان می‌گذارد این را معین می‌کند و دیگر در تعلیق و بدلیت **إلى يوم القيامة** باقی نمی‌ماند. فرض کنید که این لیوان پر از خمر است و **لا تَشْرَب الخمر** شامل این إناء شد، لازم نیست شما تا آخرش را میل بفرمایید! نه‌خیر، بلکه همان جرعهٔ اول خمری که تناول شد **يُعَذُّ عاصياً**، این **يُعَذُّ عاصياً** به اولین جرعه است

حالا اگر جرعه دوم را خوردی کتک بیشتری می خوری! هرچه بیشتر خوردی کتک بیشتر می شود و در آن حرفی نیست اما اطلاق شارب خمر به اولین جرعه برای شخص حاصل می شود! اگر بیشتر بخورد خب فرق می کند؛ کسی که یک جرعه بخورد یا بیشتر باهم تفاوت دارد، آثارش هم فرق می کند، اگر خیلی بخورد دیگر ملکوتی و چپروتی می شود! پس اتّصاف به شاربیت با اولین جرعه حاصل می شود و **يُعدُّ فاسقاً و يَخْرُجُ بِهِ عَنِ الْعَدَالَةِ!** این آثاری است که بر آن بار می شود. گرچه صوم یوم الخميس و یوم الجمعة قابلیت برای آن شمول علم اجمالی را دارد ولی وقتی مکلف گفت که من افطار یوم الخميس را انتخاب کردم دیگر معین می شود، چه فرقی می کند؟! خروج فعلی یوم الخميس از تحت علم اجمالی با اضطرار به معین چه فرقی می کند؟! صحبت در این است که آیا شارع بر این اختیار امروز حکم به جواز کرده یا نکرده است؟ اگر بگویید که حکم به جواز نکرد بنابراین اضطرار نیست و اگر حکم به جواز کرد - جواز تناول و جواز

افطار يوم الخميس - پس چه فرقی با معین دارد؟! هردو یک حکم دارد و این اجتماع امرین متضادین و حکم متضادین **فی مورد واحد** است. وقتی شارع گفت: این، به مجرد افطار **خرج يوم الخميس من تحت علمه** تمام شد و دیگر بیرون رفت ولو اینکه تا شب هم هیچ نخورد. ولی همین که بعد از اذان صبح آمد یک جرعه آب خورد امروز باطل شد يوم الخميس باطل شد خب چه يوم الخميس به امر تعیینی شارع از تحت علم اجمالی خارج بشود و چه به اختیار خودش از تحت اجمالی خارج شود بالأخره الآن يوم الخميس خارج می شود، لذا این اشکال بر مرحوم آخوند وارد است و نمی توانیم از این صرف نظر کنیم.

مرحوم آخوند در کفایه فرمودند که فرقی در معین و غیر معین ندارد و فرقی در اضطرار مقارن با علم اجمالی و اضطرار بعد طرّو علم اجمالی [با] اضطرار طاری بر علم اجمالی ندارد اگر بر این مبنای خود هستند خب این یک مطلبی است اما اگر قائل به این حاشیه همان طور که در حاشیه رسائل دارند هستند اشکالی از این نظر بر مبنا وارد می شود. این

اشکال تمام شد.

حالا خود کلام مرحوم آخوند و فرقی را که ایشان نسبت به وجود اضطرار و فرقی که با خروج تکوینی گذاشتند و فرمودند: در صورتی که اضطرار حاصل بشود در اینجا موجب احتیاط نخواهد بود **يَنْحُلُّ الْعِلْمُ الْإِجْمَالِيَّ وَ يَتَبَدَّلُ بِالشَّبْهِةِ الْبَدْوِيَّةِ** اما اگر احد از اطراف به خروج تکوینی خارج شد فرض کنید اهراق بشود و به طور کلی امحاء در اینجا حاصل بشود در اینجا علم اجمالی به قوَّت خودش باقی است و آن استعداد و قدرت تکوینیه را برای خودش دارد. در اینجا قائل به وجوب به احتیاط شدند.^۱

اللهم صل على محمد و آل محمد

^۱ . كفاية الأصول، (تعليقه زارعی سبزواری)، ج ۳، ص ۱۰۴.